

# مبعوثِ منتظر

مجموعه منبر مکتوب مهدوی ویژه ایام محرم

شب نهم

مقاومت و ادب؛ دو بال حرکت  
در مسیر ولایت برای امتِ مبعوث

نویسنده: حجت الاسلام سید جواد میرصادقی

به سفارش واحد پژوهش بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی و رحمة الشریف



بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود

## مقاومت و ادب؛ دو بال حرکت در مسیر ولایت برای امت مبعوث

سلسله جلسات مبعوث منتظر ویژه ماه محرم

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا يَبْلُغُ مَدْحَتَهُ الْقَائِلُونَ وَلَا يُحْصِي نِعْمَاءَهُ الْعَادُونَ وَلَا يُؤَدِّي حَقَّهُ الْمُجْتَهِدُونَ. الَّذِي لَا يُدْرِكُهُ بُعْدُ الْهَمَمِ وَلَا يَنَالُهُ غَوْضُ الْفِطَنِ، الَّذِي لَيْسَ لِصِفَتِهِ حَدٌّ مَحْدُودٌ، وَلَا نَعْتُ مَوْجُودٌ، وَلَا وَقْتُ مَعْدُودٌ، وَلَا أَجَلٌ مَمْدُودٌ، فَطَرَ الْخَلَائِقَ بِقُدْرَتِهِ وَنَشَرَ الرِّيحَ بِرَحْمَتِهِ وَوَتَدَّ بِالضُّخُورِ مَيْدَانَ أَرْضِهِ

اجازه بدهید امشب سخن را با یک **صحنه مستند از ظهر عاشورا** آغاز

کنیم؛ صحنه‌ای که هم **مقاومت** را در اوج نشان می‌دهد و هم **ادب** را.

در گزارش‌های معتبر مقتل آمده است که وقتی تشنگی بر خیمه‌ها سخت شد و حلقه محاصره آب تنگ‌تر گردید، وجود نازنین **ابوالفضل العباس** علیه السلام برای آوردن آب به سوی فرات رفت. او خود را به آب رساند. مورخان بزرگی چون **ابومخنف** در گزارش‌های مقتل، و پس از او **شیخ مفید در الارشاد** و نیز **سید بن طاووس در اللهوف**، اصل رسیدن عباس علیه السلام به شریعه و تلاش او برای رساندن آب را نقل کرده‌اند. در نقل مشهور آمده است که وقتی آب را برداشت، به یاد عطش حسین علیه السلام و اطفال افتاد و با خود گفت:

يَا نَفْسُ مِنْ بَعْدِ الْحُسَيْنِ هُونِي      وَبَعْدَهُ لَا كُنْتُ أَنْ تَكُونِي

ای جان! بعد از حسین، خوار باش، و بعد از او مباد که زنده بمانی.

و در برخی نقل‌های مقتل آمده است که آب ننوشید و فرمود:

**وَاللَّهِ لَا أذُوقُ الْمَاءَ وَسِيدِي الْحُسَيْنِ عَطْشَانِ**

به خدا قسم آب نمی‌چشم در حالی که آقایم حسین تشنه است.

ممکن است الفاظ نقل‌ها در منابع مختلف یکسان نباشد، اما **اصل مضمون**

**در فرهنگ مقتل و مراثی معتبر شیعه تثبیت شده است:**

عباس علیه السلام در اوج نیاز، **خودش را ندید؛ امام را دید.** در اوج عطش، **تشنگی**

**خود را فراموش کرد؛ عطش ولی خدا را به یاد آورد.**

این فقط یک حماسه عاطفی نیست؛ این یک **منطق تربیتی** است:

**مقاومت بدون ادب**، ممکن است به غرور تبدیل شود؛ و ادب بدون مقاومت، ممکن است به انفعال روبکاهد.

در مکتب کربلا، این دو با هم اند.

و چه خوب درسی گرفتند مردم ایران از عاشورا این مردم مبعوث شده علی رغم همه مشکلات و تورم و گرانی و نامهربانی مسولین خودشون رو ندیدند امام و ولی رو دیدند و شنیدند و عمل کردند.

**یکی** از برجسته ترین ویژگی های یاران سیدالشهدا علیه السلام، **ایستادگی در برابر فشار همه جانبه دشمن بود.**

دشمن فقط شمشیر نکشید؛ **جنگ آب** به راه انداخت.

این نکته در منابع تاریخی کاملاً روشن است.

**طبری در تاریخ خود، شیخ مفید در الارشاد** و نیز دیگر مقتل نویسان آورده اند که **عبیدالله بن زیاد** به **عمر بن سعد** دستور داد که میان حسین علیه السلام و آب فرات فاصله بیندازند، همان گونه که با عثمان چنین کردند.

در «**الارشاد**» **مرحوم شیخ مفید** آمده است که **عمرو بن حجاج** با گروهی مأمور شریعه فرات شد تا اصحاب امام را از دسترسی به آب باز دارد.

یعنی دشمن فهمیده بود که اگر بخواهد کار را تمام کند، فقط از راه شمشیر نمی شود؛ باید **محاصره اقتصادی و زیستی** درست کند.

این همان کاری است که همیشه جبهه باطل انجام داده است:

**اول فشار، بعد ترس، بعد تسلیم.**

اما یاران حسین علیه السلام تسلیم نشدند. نه وقتی راه آب بسته شد، نه وقتی تعداد کم شد، نه وقتی آینده ظاهری تیره شد.

یاران خمینی کبیر و خامنه ای شهید هم همینگونه بودند علی رغم فشار ۴۵ ساله همه جانبه: اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی ایستادند و ایستادگی کردند و یک نه بزرگ به سردمداران جبهه باطل دادند.

مقاومت در کربلا فقط جنگیدن نبود.

گاهی مقاومت یعنی **تحمل تشنگی و شکسته نشدن.**

گاهی مقاومت یعنی مضطرب نکردن دل امام.  
گاهی مقاومت یعنی در سختی، وفاداری را کم نکردن.  
شب عاشورا را ببینید. وقتی امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام بیعت را از اصحاب برداشت،  
فرمود:

هَذَا اللَّيْلُ قَدْ غَشِيَكُمْ فَاتَّخِذُوهُ جَمَلًا: این شب شما را فرا گرفته، از تاریکی  
شب استفاده کنید و بروید.

این مضمون در تاریخ طبری، الارشاد و اللهوف آمده است.

امام راه را باز گذاشت. اما اصحاب چه کردند؟ یکی پس از دیگری برخاستند  
و گفتند: اگر کشته شویم، زنده شویم، باز کشته شویم، دست از تو بر نمی داریم.  
از جمله مسلم بن عوسجه و زهیر بن قین و دیگران، که در منابع معتبر  
این وفاداری شان ثبت شده است.

این یعنی مقاومت حقیقی:

ماندن وقتی رفتن مجاز است.

وفاداری وقتی هزینه دارد.

استقامت وقتی منفعت فوری دیده نمی شود.

در روایات، یاران حضرت ولی عصر عَلَيْهِ السَّلَام نیز با همین صلابت معرفی  
شده اند.

در برخی روایات آمده است که آنان در میدان استقامت، مردانی هستند که  
دل هایشان چون پاره های آهن است:

كَأَنَّ قُلُوبَهُمْ زُبُرُ الْحَدِيدِ گویی دل هایشان پاره های آهن است.

این مضمون را شماری از منابع روایی درباره اصحاب قائم عَلَيْهِ السَّلَام نقل  
کرده اند؛ از جمله در مجموعه هایی مانند بحار الانوار در ابواب مربوط به  
اصحاب حضرت.

یعنی یار امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام کسی نیست که با اولین فشار، میدان را خالی کند.

**یار مهدی** عَلَيْهِ السَّلَام در برابر مستکبران عالم، در برابر تهدیدها، در برابر محاصره‌ها، در برابر جنگ اراده‌ها می‌ایستد.

اگر یاران حسین عَلَيْهِ السَّلَام در محاصره آب، خم نشدند، یاران مهدی عَلَيْهِ السَّلَام هم در محاصره‌های آخرالزمانی خم نمی‌شوند. امشب باید این سؤال را از خودمان بپرسیم: اگر ما در کربلا بودیم و دشمن آب را بسته بود، چه می‌کردیم؟ فقط گریه می‌کردیم یا می‌ایستادیم؟ امروز شکل میدان عوض شده است. دیروز شریعه فرات را بستند،

امروز راه معیشت، تولید، مبادله، و امنیت اقتصادی ملت‌ها را می‌بندند. دیروز خیمه‌ها را با عطش آزمایش کردند، امروز ملت‌ها را با تحریم، فشار اقتصادی، جنگ روانی و القای بن بست آزمایش می‌کنند. منطق کربلا برای امروز این است:

امت مبعوث، بن بست ندارد؛ یا راهی می‌یابد، یا راهی می‌سازد. این تعبیر، اگرچه عبارت حدیثی نیست، اما ترجمان روح قرآن و سیره مؤمنان است.

قرآن می‌فرماید:  
**إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ**: اگر خدا را یاری کنید، خدا شما را یاری می‌کند و گام‌هایتان را استوار می‌دارد. سوره محمد، آیه ۷  
و نیز می‌فرماید:

**فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا \* إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا**: همانا با سختی، آسانی است؛ همانا با سختی، آسانی است. سوره شرح، آیات ۵ و ۶

پس جامعه منتظر، جامعه‌ای نیست که با فشار اقتصادی، امیدش را بیازد. جامعه منتظر، با توان داخلی، عقل جمعی، صبر راهبردی و اعتماد به وعده الهی می‌ایستد.

صبر راهبردی یعنی چه؟

یعنی در سختی، هویت خود را نفروشیم.

یعنی به خاطر فشار، آرمان عدالت را معامله نکنیم.  
یعنی فقر را تقدیس نکنیم، اما برای رفاه نیز به ذلت تن ندهیم.  
مقاومت کربلایی یعنی:

- ناامید نشو
- مرعوب نشو
- وابسته نشو
- از امامت جلو نزن
- از دشمن نترس

مردم عزیز:

اگر مقاومت، ستون خیمه حرکت است،  
ادب روح این حرکت است.

در کربلا یکی از زیباترین تجلی‌های ادب را در وجود حضرت

عباس علیه السلام می‌بینیم.

عباس فقط شجاع نبود؛

فقط جنگاور نبود؛

فقط علمدار نبود؛

او مؤدب‌ترین یاران در برابر امام بود.

ادب حضرت عباس علیه السلام در برابر امام

در زیارت ناحیه مقدسه درباره حضرت عباس علیه السلام آمده است:

السَّلَامُ عَلَى أَبِي الْفَضْلِ الْعَبَّاسِ بْنِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، الْمُوَاسِي أَخَاهُ  
بِنَفْسِهِ، الْأَخِذَ لِعَدِهِ مِنْ أُمْسِهِ، الْفَادِيَ لَهُ، الْوَاقِيَ لَهُ، السَّاعِيَ إِلَيْهِ بِمَائِهِ،  
الْمَقْطُوعَةَ يَدَاهُ

سلام بر ابوالفضل العباس... آنکه با جان خویش با برادرش مواسات کرد...

فدای او شد... نگرهبان او بود... برای رساندن آب به سوی او شتافت...

این تعبیرها بسیار مهم‌اند:

**المواسی أخواه بنفسه**؛ یعنی با جانش برادری کرد. نه فقط برادری نسبی، بلکه **برادری ولایی**. عباس علیه السلام خود را در نسبت با امام تعریف می‌کرد. در فرهنگ شیعه، ادب حضرت عباس علیه السلام فقط در الفاظ نیست؛ در نوع حضور اوست.

او در برابر امام، **خود مستقل مطالبه‌گر** ندارد؛ همه هویتش، ذوب در اراده امام است. این همان معنایی است که:

**علمدار بودن، یعنی ندیدن خود در برابر ولی.**

گاهی ما خیال می‌کنیم ادب یعنی فقط احترام ظاهری. نه. ادب در مکتب اهل بیت علیهم السلام یعنی:

- جلوتر از امام نرفتن
- عقب‌تر از امام نماندن
- نظر خود را اصل ندانستن
- نفس خود را محور حق تلقی نکردن

قرآن درباره اهل ایمان می‌فرماید:

**يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْدِمُوا بَيْنَ يَدَيْ اللَّهِ وَرَسُولِهِ**

ای مؤمنان، پیشاپیش خدا و رسول او حرکت نکنید. **سوره حجرات، آیه ۱**

این آیه فقط مربوط به زمان پیامبر (ص) نیست؛ منطوقش همیشگی است:

**ولایت‌مداری بدون ادب ممکن نیست.**

در توصیف یاران حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف، در روایات آمده است که آنان در اطاعت از امام، نهایت تسلیم را دارند. در برخی نقل‌ها آمده است:

**هم أطوعُ له من الأمة لسيدها**: آنان از کنیز نسبت به مولایش، فرمان‌پذیرترند.

مقصود روایت، شدت **انقیاد و اطاعت آگاهانه** است؛ نه تحقیر انسان.  
یعنی یاران مهدی عَلَيْهِ السَّلَام کسانی اند که از سر بصیرت، اراده خود را در مسیر  
اراده امام تنظیم می‌کنند.

ما گاهی انتظار را فقط با اشک و دعا تعریف می‌کنیم؛  
در حالی که انتظار، بدون تمرین ادب ولایی، به نتیجه نمی‌رسد.

کسی که در برابر فرمان خدا، حکم دین، مسیر حق، و رهبری الهی، دائماً  
«من» را جلو می‌اندازد، چگونه می‌خواهد یار مهدی عَلَيْهِ السَّلَام باشد؟

امروز جامعه ما بیش از هر زمان دیگر به **ادب اجتماعی** نیاز دارد.  
جامعه‌ای که در آن:

- گفت‌وگو بی‌ادبانه شود،
- اختلاف نظر به هتک حرمت برسد،
- رقابت‌ها به حذف اخلاق منتهی شود،
- و «من»‌های فردی، بر «ما»ی ملی و ایمانی غلبه کند،

چنین جامعه‌ای از روح ولایت‌مداری فاصله می‌گیرد. ادب فقط در حرم و  
مسجد نیست؛

- ادب در خانه است،
  - در مدرسه است،
  - در دانشگاه است،
  - در رسانه است،
  - در فضای مجازی است،
  - در نقد کردن است،
  - در مطالبه کردن است.
- ادب اجتماعی یعنی:

- در عین اختلاف، حرمت‌ها را نگه داریم؛

- در عین مطالبه، انصاف را از دست ندهیم؛
- در عین رنج، به هم نزنیم؛
- در عین فشار، از آرمان‌های مشترک ملی و مذهبی عبور نکنیم.

اگر عباس علیه السلام علمدار شد، چون **خود را محور ندید**.

و اگر امروز کسی می‌خواهد علمدار جبهه حق باشد، باید همین را بیاموزد:

**علمدار بودن، یعنی ندیدن خود در برابر ولی.**

برادران و خواهران گرامی خلاصه این که :

حادثه کربلا فقط یک تراژدی تاریخی نیست؛ یک **نقشه راه تمدنی** است. اگر تاریخ در کربلا به سوگ نشست، نه فقط به خاطر شمشیر دشمن، بلکه به سبب **غیبت امت مبعوث** بود؛

امتی که باید پیش از واقعه، بر نفس خویش پیروز می‌شد، بر دنیاطلبی غلبه می‌کرد، و بر پیمان الهی استوار می‌ماند تا امام زمانش را در گودال غربت تنها نگذارد.

کوفه مشک‌ش فقط کمبود نیرو نبود، مشک‌ش کمبود **انسان مبعوث** بود. آدم‌هایی بودند که :

نامه نوشتند؛ اما نایستادند.

اشتیاق داشتند؛ اما ادب نداشتند.

حرف داشتند؛ اما مقاومت نداشتند.

و امروز ما در آستانه تمدن نوین اسلامی،

نه فقط عزاداران حسین علیه السلام،

بلکه باید **مشق‌کنندگان راه یاران او** باشیم.

**مبعوث منتظر** یعنی کسی که:

- از کربلا، مقاومت می‌آموزد؛
- از عباس علیه السلام، ادب می‌آموزد؛
- از اصحاب عاشورا، وفاداری می‌آموزد؛

• و همه این‌ها را برای روز ظهور تمرین می‌کند.

این منبر، فراخوانی است برای بازخوانی ویژگی‌های آن ۷۲ تن؛ تا در آئینه بصیرت، شجاعت، ادب و ایثار آنان، خود را برای بزرگ‌ترین تحول تاریخ، یعنی **ظهور**، مهیا کنیم.

ما مبعوث شده‌ایم. امت منتظر، خواب نیست. بیدار است. و چشمانش به سرانگشت اشاره ولی است.

اما همه این حرف‌ها را امشب از چه کسی یاد گرفتیم؟  
از عباس...

از آن لحظه‌ای که به آب رسید، اما آب ننوشید...

از آن لحظه‌ای که مشک را برای خیمه‌ها می‌برد...

از آن لحظه‌ای که دست‌هایش رفت، اما ادبش نرفت...  
توانش رفت، اما وفایش نرفت...

علم از دستش افتاد، اما ولایت از دلش نیفتاد...

چه کسی می‌تواند بفهمد در علقمه چه گذشت؟

وقتی یک مرد، نه برای خودش، نه حتی فقط برای کودکان، بلکه برای آنکه **دلِ امامش نشکند**، جانش را بر کف گرفت...

ای اهل حرم، میر و علمدار نیامد...

حسین علیه السلام بر بالین عباس آمد؛

اینجا دیگر فقط برادر برادر را صدا نمی‌زند...

اینجا امام، پشتوانه خیمه را از دست داده است...

از اینجا به بعد، کمر حسین شکست...

خدایا ما را از عزادارانِ صرف قرار نده؛

ما را از **یارانِ راه حسین علیه السلام** قرار بده.

خدایا به ما در میدان فشارها، **مقاومت** عطا کن؛

و در محضر ولایت، **ادب** عطا کن.

خدایا دل ما را از آهن ایمان، و جان ما را از نور اطاعت پر کن.

خدایا ما را از اصحاب و انصار حضرت بقیة الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار بده.

اللهم عجل لوليک الفرج